

برگزاری کنفرانس سالیانه کمیته کردستان

کنفرانس سالیانه کمیته کردستان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در خرداد ماه امسال برگزار گردید. در این کنفرانس نخست گزارش کمیته کردستان پیرامون وضعیت عمومی جنبش و

متن
قطعه نامه ها
و
پیامهای کنفرانس

در صفحه ۳

ضرورت وحدت نیروهای انقلابی و مبنای عملی آن

در پی افتلا اخیر جنبش توده ای و بحرانی تر شدن وضعیت رژیم جمهوری اسلامی، شعارهای وحدت طلبانه ای از سوی برخی سازمانها و احزاب سیاسی به میان کشیده شده است. هرکسی خود را طرفدار وحدت و اتحاد نیروهای انقلابی و شرقی معرفی می نماید و خواستار وحدت این نیروها برای ایجاد یک قطب نیرومند در جنبش و سرنگونی فوری رژیم است.

شکی نیست که اتحاد مبارزاتی و وحدت رزمنده نیروهای انقلاب در مرحله کنونی انقلاب و در دوران انقلابی کنونی که

نهم خرداد
یاد آور روزی خونین
در تاریخ خلق عرب
صفحه ۱

سرنگونی رژیم به امری فوری و مبرم تبدیل شده است، ضرورتی است که بدون آن مشکل توان وظایف بلاواسطه انقلاب را به فوریت به انجام رساند. موضع سازمان ما نیز در این مورد صریح و روشن است.

ما سازمانی هستیم که اساساً برای برانداختن نظام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم مبارزه می کنیم، و برای رسیدن به این هدف امر استقلال طبقاتی کارگران و مجزا کردن صف و سیاست مستقل این طبقه را در برابری تمام طبقات دیگر به اساس سیاست خود تبدیل کرده ایم، اما در همان حال که یک لحظه حفظ استقلال طبقاتی کارگران و هدف نهایی خود را از یاد نمی بریم، و در جهت آن گام برمی داریم، در عین حال به این مسئله اعتقاد داریم که در مرحله کنونی انقلاب یعنی به هنگامی که تحولات انقلابی دگرگونی و ضد امپریالیستی هدف فوری انقلاب را تشکیل می دهد و علاوه بر

در صفحه ۶

سیاست

سیاست اصولی کدام است؟
و چرا باید به اراده عملی
تبدیل شود؟

امروز دیگر درگیری های فیهابین حزب دمکرات و کوماندو به مرحله ای رسیده است که آینده جنبش انقلابی خلق کرد را جدا تهدید می کند. این درگیری ها بدون تردید نباید پایان داده شود و هر سیاست غیر اصولی که بر تداوم آنها بافتاری نماید و با هر جنبشکی بدون تردید می باید در انتظار توده های انقلابی خلق کرد، معکوم و مطرود گردد.

امروز دیگر هیچ نیروی علناً از راه حل نظامی برای حل اختلافات نیروهای سیاسی دفاع نمی کند، هرچند تحت پوشش این یا آن قید و بند چنین

در صفحه ۲



* اخبار جنبش توده ای

صفحه ۱۱

* جنگ انقلابی

در

کردستان و...

صفحه ۱۸

سیاست اصولی کدام است؟

و چرا باید هـ هـ

از صفحه ۱

کاری را انجام دهد، و یا فلان پیش شرط در عمل نقش سرپوشی بر چنین تعابلی درونی را داشته باشد ولی آنچه که روشن است امروز تاکید روی راه حل سیاسی برای اختلافات فیما بین نیروهای سیاسی مورد پذیرش اکثریت نیروهای است که همه هر نحوی اعلام موضعی در سطح جنبش نموده اند. هر چند بسیاری از این نیروها با هر موضعی کمتر پای به عرصه تحقق عملی چنین واقعیتی گذاشته و تنها با اعلام موضع های هر از چند گانه ای اکتفا نموده و می توان گفت درگیری ها را به عنوان یک واقعیت تلخ پذیرفته اند. اما واقعیت این است که منافع حیاتی جنبش انقلابی ایجاب می کند که اگر امروز کسی معتقد به راه حل سیاسی و همزیستی صالمت آمیز نیروها در جوی دمکراتیک و عاری از محدودیت های تنگ نظرانه و ضد دمکراتیک است، در عمل نیز راه تحقق این واقعیت را آشکار ساخته، و مضمون این اعتقاد را در راه حل عملی و مشخص خود روشن نماید. و حد اقل گامی در جهت عملی کردن این اعتقاد بسز در اردو سیاست مبتنی بر ادا صحت درگیری ها را در تمامی زمینه ها منوی و مطرود جنبش نماید. اعتقاد به این یا آن سیاست فقط حرف تو خالی نیست، تنها برای اعلام موضع پا در هوا نیست، بلکه مبین این واقعیت است که چنین اعتقادی می تواند و می باید به اراده تبدیل شود و بیان عملی پیدا کند. طبیعی است که هیچ سیاستی خود بخودی و از طریق تکرار مکرر تبدیل به اراده نخواهد گشت و چنین امری هیچگاه اتفاق نیافتاده و نخواهد افتاد. هر سیاستی برای تحقق عملی خود الزامات مستلزم عملکرد مشخصی است و سازماندهی و تجمع نیروی مبینی را در تمامی عرصه ها

ایجاب می کند. این نخستین اصل برخورد آگاهانه و فعال به مسائل در هرگونه فعالیت هدفمند سیاسی است.

امروز دواصل اساسی در جنبش کردستان مورد پذیرش اکثریت نیروهای انقلابی است. نخست آتش سریدن قید و شرط و قطع فوری درگیری های نظامی، دوم آغاز مذاکره برای توافق بر سر یک پلتفرم مشخص و عملی که مضمون آزادیهای دمکراتیک در روابط فیما بین نیروهای سیاسی اعم از آزادی تبلیغات سیاسی، بیان عقاید و حق تشکل و حق انتخاب آزادانه راه و مسیر مبارزه انقلابی از سوی هرکسی، و به عبارت دقیق تر پلتفرمی ناظر بر حقوق دمکراتیک و مبتنی بر مضمون اساسی جنبش کنونی باشد.

باید دید چرا و کدام نیروها مخالف چنین اصولی هستند و چه کسانی علاوه بر دواصل فوق از ارائه راه حل عملی و مشخص طفره می روند و مهم تر از همه از اقدام مستقیم در جهت آن هراس دارند و چرا؟ نیروهایی که خود علیرغم اعتقاد به این اصول حاضر به پذیرش یک راه حل عملی و درمدم انجام آن نیستند، خود به بدترین وجهی و بلا به آن سیاستی هستند که امروز ادا صحت درگیری ها را ممکن ساخته است چگونه می توان به چیزی اعتقاد داشت ولی در جهت تحقق آن حرکت نکرد، از هر گونه صدای موافقی و گام عملی مشخص پشتانی و دفاع نکرد، و بیجا در حوضه ای از جنبش کم داد و هر از چند گاهی اظهار وجود تاسف باری کرد؟

اما آنچه که به دو طرف درگیری مربوط می شود، سیاست حزب دمکرات و موضع این حزب در قبال درگیری های کنونی کاملاً روشن است. حزب دمکرات با طرح پیش شرط های غیر اصولی برای هر گونه آتش بسی عملاً از پذیرش هرگونه راه حل طفره می رود و سیاست جنبی بر ادا صحت درگیری های خوین کنونی را در عمل دنبال می کند. سیاستی که تاکنون هیچ نیروی دیگری غیر از خود حزب دمکرات حداقل

علناً و بی پرده جرات دفاع از آن را به خود نداده است. هر چند این سیاست هواخواهان مظلوم و شرمگینی در میان نیروهای سیاسی کم ندارد.

اما طرفی دیگر درگیرها نیز علیرغم اعلام آمادگی برای پذیرش آتش بسی و اعلام یک سری اصول مشخص، هیچ راه عملی برای تحقق چنین سیاستی که بتواند بیانگر اراده عملی جدا از تقابل نظامی و در جهت تحقق همزیستی صالمت آمیز بر عمل باشد، ارائه نکرده است. کومه له عاجز از درک این واقعیت است که حتی اعتقاد به پایان دادن همه درگیریها و دفاع از اصول دمکراتیک فیما بین نیروها نیز نمی تواند فقط از طریق گلوله عملی شود. آنچه که امروز بیش از همه ضروری و اجتناب ناپذیر است، و نقش تعیین کننده ای در تقابل سیاسی دارد نه تعرض نظامی، بلکه در واقع تحریک سیاسی و تبدیل این با آن اعتقاد به اراده هر دو طرفه سیاسی نه تنها در عرصه رابطه بین نیروهای سیاسی، بلکه در سطح جنبش بوده است. اگر کسی اعتقاد به ضرورت وجود دمکراتیک برای بیان آزادانه نقطه نظرات، با اهداف سیاسی داشته و خواستار همزیستی صالمت آمیز فیما بین نیروهای سیاسی است، باید این اعتقاد خود را از همین امروز و در عمل آشکار سازد و عملاً به زبان سیاسی و با سلاح سیاسی سخن بگوید و بر اهمیت آن واقف باشد. زمانی که از چنین واقعیتی عملاً در برخورد های کومه له خبری نباشد، مسلماً می توان گفت یا درکی از آنچه کسی گوید ندارد و یا اگر دارد به تحقیق آنچه که می گوید اعتقاد ندارد.

درصورت به همین گونه است وضعیت آن دسته از نیروهایی که در حرف درگیرها را محکوم می نمایند ولی روشن نمی کنند که چرا این درگیریها هنوز ادا صحت دارد. و امروز چه کسی و کدام نیروی سیاسی مسئولیت ادا صحت این درگیری ها را دارد و سبب راه رسیدن در صفحه ۱۵

هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

قطعه نامه درباره

درگیریهای حزب دمکرات و کومه له

نظر به این که امروز درگیری های حزب دمکرات و کومه له به مهم ترین صاعه جنبش انقلابی خلق کرد تبدیل شده است؛

نظر به این که ادامه این درگیری ها نافی تعالی دستاوردهای جنبش انقلابی خلق کرد و در جهت فرسایش توان و انرژی انقلابی آن و ضایعی با چشم انداز پیروزمند آن است؛

لذا، قطع فوری درگیریها، اعلام آتش بس بدون قید و شرط، از سوی هر دو نیرو پذیرش يك راه حل دمکراتیک و اصولی پیرامون روابط نیروهای سیاسی در کردستان و حل اختلافات این دو نیرو در چارچوب چنین راه حلی، از طریق مسالمت آمیز در شرایط کنونی کاملاً امکان پذیر و ضروری است؛

کنفرانس با تاکید بر طرح سه ماده ای اعلام شده از سوی کمیته کردستان خواهان برخورد بیگانه جندی با درگیری های حزب دمکرات و کومه له. خواهان طرد هرگونه سیاست مبتنی بر ادامه درگیری های کنونی و پشتیبانی از هر گونه تلاش مسئولانای در قبال قطع این درگیری ها است .

قطعه نامه پیرامون

تاکتیک مذاکره با رژیم

نظر به این که شرایط بحرانی کنونی در تمامی زمینه های سیاسی - اقتصادی و اجتماعی موقعیت رژیم جمهوری اسلامی را به طور روزافزونی ضعیف تر می سازد؛

نظر به این که جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران هر روز بیشتر از پیش برای نیل به اهداف انقلابی - دمکراتیک خود، از طریق سرنگونی قهری رژیم جمهوری اسلامی گام های عظیمی را به پیش بر می دارد؛

نظر به این که جنبش انقلابی خلق کرد هر روز بیشتر از روز پیش عرصه های جدیدی را در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی باز می گشاید و در تمامی عرصه های سیاسی - نظامی با ارتقاء سطح تاکتیکهای مبارزاتی خود با آسودن از تجارب مبارزات قهرمانانه شش سال گذشته خود همچنان بر اهداف پیروزنده خود پیکار می فشارد؛

لذا، در چنین شرایطی، خارج ساختن شعار سرنگونی رژیم از دستور عاجل مبارزه و تکیه به ماندهای ارتجاعی رژیم و طرح شعار مذاکره با رژیم، غیر اصولی، خط و محکوم است.

بزرگاری کنفرانس

چشم اندازهای آن و نیز فعالیت يك ساله سیاسی - تشکیلاتی و نظامی به کنفرانس ارائه گردید و سپس بحث حول محور های گزارش صورت گرفت.

کنفرانس در جریان جلسات متعدد خود به ارزیابی دقیق اوضاع کنونی جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان سراسر ایران به طور عموم و جنبش انقلابی خلق کرد با اخص پرداخت و ضمن تصریح مواضع تاکتونی کمیته کردستان، دو قطعه نامه در زمینه برخورد به دو سوال مهم در عرصه سیاسی کردستان را تصویب نمود. و متناسب با همین ارزیابی دقیق از اوضاع سیاسی و چشم اندازهای آن نیز در بررسی فعالیت آن تشکیلات کردستان با تصریح گزارش ارائه شده توسط کمیته کردستان در این زمینه، تصمیمات مشخصی را اتخاذ نموده، به عنوان برنامه کار آینده فعالیت تشکیلات کردستان، در تمامی عرصه ها بر آن ها تاکید نمود که اهم آنها را چگونگی پیشبرد فعالیت سیاسی - تشکیلاتی و نظامی در عرصه مبارزه کنونی تشکیل می دهد.

کنفرانس کمیته کردستان در عین حال با ارزیابی دقیق گزارش ارائه شده در مورد فعالیت تشکیلات پیشمرکه فدائی که طی کنفرانس مسد مائیتی مورد بحث و بررسی پیشمرگان فدائی قرار گرفته بود رکوس اساسی آن را تایید و تصریح نمود.

کنفرانس کمیته کردستان با صدور پیامی خطاب به کارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران، خلق قهرمان کرد، پیشمرگان رزمنده خلق کرد و احزاب و سازمان ها و نیروهای انقلابی و دمکرات پیرامون مساله درگیریهای حزب دمکرات و کومه له و پیام های دیگری، خطاب به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی، به کار خود پایان داد.

پیام کهنه انسی به

نگارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران
خلق قهرمان کرد، پیشمرگان رزمنده خلق کرد

کلیه نیروهای انقلابی و دمکرات

امروز جنین انقلابی خلق کرد، شرایط حساس و خطیری را پشت سر می گذارد. شرایطی که از یک سری ضرورت مداوم هر چه قدرتمند مبارزه کنونی در تمامی عرصه های آن، وحدت اراده تمامی نیروهای مبارز و انقلابی در کردستان را در مقابل با رژیم جمهوری اسلامی ایجاب می کند، و از سوی دیگر علیرغم این ضرورت، جو مستنج و مستثنی در صفوف جنبش کردستان به وجود آمده است، که نتیجه بلاواسطه و مستقیم ناشی از تداوم درگیریهای خونین میان پیشمرگان حزب دمکرات و کومه له است. بر هیچ کس پوشیده نیست که این درگیریها در شرایط کنونی هیچ چشم اندازی جز ضربه زدن به جنبش کنونی در تمامی عرصه ها و منهدم نمودن چهره رزمنده و بیخبر و زنده آن را در برداشته و ندارد. این درگیریها امروز به سدی در مقابل پیشروی جنبش کنونی و عاملی برای کاهش و فرمایش توان و انرژی آن تبدیل شده اند. و از همین رو نیز می باید هر چه سریع تر، به این درگیریها پایان داده شود، و چو دمکراتیک مبنی بر اصول روشن و مشخصی بر محیط مبارزه کنونی در کردستان حاکم گردد که در آن تمامی نیروهای انقلابی آزادانه به فعالیت سیاسی- نظامی و تبلیغ و ترویج برنامه ها و اهداف خود بپردازند. این امر که تنها از نقطه نظر ضروریات کنونی جنبش الزامی است بلکه اساساً بدون چنین چو دمکراتیک نمی توان از چشم انداز روشنی برای آینده جنبش انقلابی خلق کرد سخن گفت.

ما شرکت کنندگان در کنفرانس اعتقاد راسخ داریم که بدون ارائه یک چارچوب روشن و مشخصی که بتواند ناظر بر روابط تعیین نیروهای سیاسی در کردستان بویژه دو نیروی درگیر باشد، چنین آتش بستی پایدار نخواهد بود. از همین رو نیز طرح سه ماده ای ارائه شده از سوی کمیته کردستان را به عنوان مناسب ترین طرح برای مذاکره حول دستاویزی به یک راه حل اصولی قلمداد کرده، از توده های زحمتکش خلق کرد، از پیشمرگان رزمنده و کلیه نیروهای انقلابی و دمکرات می خواهیم با حمایت و پشتیبانی از این طرح به عنوان راه حل اصولی، به هر طریق ممکن عملاً نفرت و انزجار خود را از ادامه این درگیریها به نمایش گذاشته و این فعالیت درونسی را به اراده عظمی و واقعی تبدیل سازند.

زنده باد اتحاد عمل و همکاری میان نیروهای انقلابی!
نابود باد نشت و پراکندگی در صفوف جنبش انقلابی خلق کرد!
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!
کنفرانس خرداد ماه ۱۳۶۴
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
کمیته کردستان

از سوی دیگر همانطور که واقعیت های چند ماه گذشته آشکار ساخته است این درگیریها به خودی خود، پایان داده نخواهد شد. تنها عاملی که امروز دیگر قادر به توقف ساختن این درگیریهاست اساساً فشار عمومی سیاسی نه تنها توده های زحمتکش خلق کرد و پیشمرگان رزمنده آن بلکه کلیه نیروهای انقلابی و دمکرات که تنها در کردستان بلکه در سراسر ایران است.

زبونی به آنها پایبند می دهند چون قادر به کنترل آن روستاها نیستند پس مجبورند که آنها را خراب کنند.
این چندمین بار است که مزدوران رژیم در شمال کردستان خانه و گاشانه اهالی زحمتکش منطقه را بر سرشان می ریزند. قبلاً نیز ایسین سیاست ارتجاعی را در منطقه پیروانش، سرشاخان نقنده و در برخی روستاهای منطقه سردشت به اجرا در آورده اند.

کردستان، هر کجا که توانستیم با کج دادن اجباری اهالی به تخریب خانه و گاشانه آنها دست یازانده است. در خرداد ماه نیز جاش های مکزور و رژیم با حمله به روستاهای ناصرآباد، کونجدرین و کوشان بالا در منطقه اورمیه اهالی زحمتکش این روستاها را از خانه هایشان بیرون رانده، و به سران کردن خانه هایشان می پردازند. مزدوران رژیم به اعتراضات اهالی این روستاها وقتی تنهاده و با

از صفحه ۱۴
مزدوران رژیم در ادامه سیاست کج اجباری سه روستا را در برابر چشمان اهالی تخریب نمودند

رژیم جمهوری اسلامی از یکسال پیش تاکنون سیاست جدیدی را برای تخلیه و تخریب روستاهای مقاوم کردستان در پیش گرفته است. هر چند نتوانسته است این سیاست را تاکنون به طور کامل عاقل سازد، لیکن در این با آن روشها

پیام کنفرانس به

خانواده شهدا و زندانیان سیاسی

زندانیان سیاسی
و یاران دربند
رفقا و دوستان!

خانواده های شهدای
راه رهایی کارگران و زحمتکشان
خلق کرد
دیگر خلقهای سراسر ایران!

استواری و عزم شما در شکنجه گاهها و کشتارگاههای رژیم مرتجع جمهوری اسلامی یکی از صفات نورین مبارزات خلقهای ما در طول مبارزات رها بخشش آن است. عزم شما، در مطالبه های دوغیمان رژیم در سرآب های مخوف آنان و هتد شما در به زانو در آوردن آنان که خود را صلح بر شما می پندارند، و تبدیل شکنجه گاههای رژیم به محیط خفت و خواری بر جلادان حقیر رژیم، الهام بخش تمامی کسانی است که اینک در تمامی عرصه های خونین مبارزه سراسری و قطعی علیه رژیم جمهوری اسلامی آرامش و امنیت را از آن طلب نموده اند.

پایداری حماسی شما در زندانها و شکنجه گاههای رژیم به عنوان یکی از عرصه های شگرف و سبکین مبارزه کنونی، و تحت شدیدترین تحقیرها و توهین و هتاکهای بی حرحی هنای جلادان عقب مانده و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و تبدیل این محیط غیر قابل تحمل به مکانی و عرصه ای برای مبارزه در راه آرمان های انقلابی کارگران و زحمتکشان، الهام بخش تمامی پویندگان راه رهایی عموم توده های زحمتکراست، بر شما و بر اراده و عزم شما درود!

پیشازان طبقه کارگر، فدائیان خلق، طلبه داران جامعه نوین و نظم عادلانه بشری، قهرمانان عرصه ناپودی هرگونه ستم و ستمگری، یاران سازش ناپذیر،

صلابت عزم شما، در شکنجه گاهها و کشتار گاههای رژیم، بیان رسالت طبقه ای است که امک با گام های پر طنین خود لریزه بر اندام رژیم سرمایه داران و مرتجعین حاکم اند است، و رضان پایدار رضان استوار و پر...

کنفرانس خرداد ماه ۶۴
مازمن چریکهای فدائی خلق ایران
کهنه کردستان

شما که در راه رهایی از ظلم و ستم، فقر و محرومیت و بدبختی، عزیزان خود را از دست داده، و بیشتر از عشق مال است که در زیر بمباران، خمپاره باران و توپ باران و پیورش های دوشمنانه رژیم جمهوری اسلامی، یکی از عظیم ترین نبردهای انقلابی را به پیش برده و بار سنگین حفظ دستاوردها و ادامه قدرتتند آنرا تضمین نموده اید، بر شما درود، و بر خون فرزندان دلیر و صلحجویان، که در سنگر رهایی و استقرار جامعه ای دموکراتیک و عاری از فقر و بدبختی و مذلت جان باختند، که خون سرخشان خاک کردستان قهرمان را بارور ساخته هر گوشه آنرا در آتش گدازان نبرد بی امان زحمتکشان این دیار به جهنمی برای سرکوبگران خلق کرد بدل نموده است.

بر شما و بر دیگر همچون شما درود که در شرایط ایران چه بسیارند و سوگوار جانباختگانی هستند که قبرمانه در مقابل رژیم مرتجع و حامی سرمایه داران و ستمگران ایستادند و با سرافراشته لریزه بر اندام جلادان رژیم جمهوری اسلامی انداخته بویا ملامت آهنین خود جوخه های تیرباران را تحقیر نمودند و با در نبرد روبروی در این با آن گوشه ایران در رزم روبروی جان باختند، رضان پایدار، رضان همیشه استوار، راضان پردوام، آرمانشان در قلبهای پر عشق تمامی رهبران راستین راضان جاودان!

و اقتضای بر پیشازان کمونیستی کسه در راه رهایی و دموکراسی و سوسیالیسم پیشاپیش صفوف طبقه کارگر ایران، این پرچمدار رهایی همه زحمتکشان و محرومان جامعه، پرچم ظفر نمون مبارزه را یک لحظه از کف نندارند، و آرمان نهایی بشریت را در عزم و اراده و صلابت مبارزه شان نجسم بخشیدند!



از صفحه ۱

ضرورت و وحدت

(روز دوم خرداد ماه، رادیو صدای فدائیی، گفتاری را پخش نمود که موضوع سازمان مبارزات با پیرامون شعارهای وحدت طلبانه برخی نیروها هرچند روشن تر می نمود، نظر به اهمیت این گفتار و نیز اهمیتی که سازمان ما به وحدت عمل اصولی نیروهای انقلابی در این مقطع حساس دارد، ما عین این گفتار رادیوئی سازمان را در زیرگای گه ل درج می کنیم.)

نیروهای انقلابی و مبنای عملی آن

بر طبقه کارگر، احرار غیر پسران و پسران نیز به این تحولات بی علاقه هستند و در انقلاب شرکت دارند، ضروری است که در عین حفظ استقلال طبقاتی کارگران، پسران نیز اهداف فوری انقلاب با دمکرات های انقلابی ایران، اتحاد مبارزاتی داشته باشیم و حتی توافق های مبارزاتی امضاء کنیم.

اما این اتحاد نه در شعار و حرف، بلکه باید در عمل صورت بگیرد. ما طرفدار هیاهویی وحدت طلبانه و شعارهای توخالی وحدت طلبی نیستیم، ما به اتحاد مبارزاتی در عمل و نه در حرف معتقد هستیم. تنها آن اتحادی عملی و واقعی است که بر مبنای همپارها و اصول معین بنا گردد. نخستین شرط هر اتحاد عملی و واقعی باید روشن شدن این مسئله باشد که ما با چه کسانی، بر سر چه اهدافی و تا کی می توانیم وحدت داشته باشیم. این امر مستلزم آن است که وضوح و روشنی کاملی در نظریات، اهداف و مقاصد سازمان های سیاسی وجود داشته باشد. این امر خود وضوح و صراحت را در مناسبات بین سازمان ها و احزاب پدید می آورد و هیچ چیز نمی تواند جز وضوح و صراحت کامل در مناسبات بین سازمان ها و احزاب سیاسی به امر اتحاد پیوسته رساند. امروز تنها طرح شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی برای اتحاد عمل و وحدت رزمنده میان سازمان ها و احزاب انقلابی و دمکرات کافی نیست، حتی شعار انقلاب به تنهایی کفایت نمی کند، چرا که طرح این

شعارها فی نفسه از هیچ تحول انقلابی و دمکراتیک معنی سخن نمی گوید. تجربه جنبش انقلابی توده های مردم ایران طبعاً رژیم شاه به خوبی نشان داد که نه شعار انقلاب به طور کلی و نه سرنگونی رژیم شاه هیچگاه نمی تواند، به معنای تحقق اهداف انقلابی و دمکراتیک جنبش و پیروزی انقلاب باشد. رژیم شاه سرنگون شد، اما رژیمی به همان اندازه ارتجاعی جایگزین آن گردید و مصائب بی شمار تازه ای برای توده های مردم ایران به بار آورد. امروز هم کنیم نیستند کسانی که از سرنگونی رژیم سخن می گویند و حتی شعار انقلاب آن هم از نوع نوین آنرا طرح می کنند، اما در واقع خواهان حفظ نظم ارتجاعی پیروکراتیک حاکم بر ایرانند. برای اینکه شعار سرنگونی و انقلاب به امری بی تبدیل نشود، و مبنای عملی، صریح و روشنی برای اتحاد نیروهای انقلابی و دمکرات گذاشته شود و در انتظار مردم توده های مردم روشن گردد که چه کسی حقیقتاً

به انقلاب و اتحاد مبارزاتی اعتقاد دارد، باید هر سازمان و حزب سیاسی که در پی اتحاد با نیروهای انقلابی است نظر خود را نسبت به اهداف انقلاب و درخواست های توده های مردم در انقلاب روشن سازد.

این اهداف بلاواسطه انقلابی که می تواند پایه اتحاد نیروهای انقلابی و دمکرات در مرحله کنونی جنبش باشد چه هستند؟

۱- سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت انقلابی

۲- انحلال تمام ماشین نظامی-پروکراتیک دولتی موجود و تسلیح عمومی خلق و اعمال حاکمیت مستقیم توده ها از طریق شوراهای

۳- جدائی کامل دستگاه مذهب از دولت

۴- حق طهای تحت تسلط ایران در تعیین سرنوشت خویش

۵- انشاء کلیه قراردادهای امارت با امپریالیستی، طبعی کردن تمام منابع و عواید مملکت به پیروزی بزرگ و انحصارات امپریالیستی، ملی کردن تجار خارجی و مؤسسات ارتباطی و حمل و نقل بزرگ

۶- ۴۰ ساعت کار و روز تعطیل در هفته و یک ماه مرخصی سالانه با پرداخت حقوق کامل به عنوان یک خواست عمومی کارگران

۷- برقراری کنترل کارگری بر تولید و کنترل توده ای بر توزیع

۸- ملی کردن کلیه اراضی و صنایع، صنایع طبیعی و زیرزمینی، ضبط قسری اراضی و املاک زمینداران بزرگ و واگذاری آنان به دهقانان و لاقو کلیه زمین و پدیده دهقانان به دولت، بانکها، سرمایه داران، ملاکین و رباخواران

این آن رئیس کلی اهدافی است که پاسخگوی درخواست های توده های مردم در مرحله کنونی انقلاب است.

کسی نمی تواند طرفدار انقلاب و خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تحولات انقلابی-دمکراتیک در ایران باشد اما از پذیرش این درخواست ها که تضمینی برای پیروزی انقلاب و تحقق اساسی ترین درخواست های توده های مردم است سرماز نزند.

پسند اول - بیانگر اعتقاد به این امر است که با سرنگونی رژیم

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی-دمکراتیک خلقهای ایران

در این میان برخی از سازمان ها و گروههای سیاسی سعی می کنند، به بهانه های مختلف از جمله مستمک قرار دادن ضعف تشکل و آگاهی طبقه کارگر ایران از جنبه قرار دادن چنین برنامه انقلابی - دمکراتیکی برای يك اتحاد عمل مبارزاتی سرپا زنده، آنها به ما اندرز می دهند که با توجه به ضعف تشکل و آگاهی کارگران ایران انقلاب ترین سیاست ممکن این است که ما از جنبه قرار دادن برنامه تحولات انقلابی و دمکراتیک دست برداریم، اینان مداوماً از اینکه سازمان های انقلابی و ضیق برای ایجاد يك تشکل و آنترناتیو نیرومند برای سرنگونی رژیم بایکدیگر متحد نمی شوند افسوس من خورند و من پرسند چرا همه نمی آیند که باهم متحد شوند و رژیم را سرنگون کنند.

طرح شعار همه باهم بدون جنبه قرار دادن يك برنامه انقلابی و دمکراتیک با همسر قصد و نیتی از جانب هرکسی که عنوان شود هدفی جز به شکست کشادن انقلاب و دست شستن از وظایف قسوری انقلاب را دنبال نمی کند. چنین سازمانهایی در پرده شعارهای وحدت طلبانه خود، در جهت تضعیف جنبش طبقه کارگر، نامین سرکردگی بورژوازی و کشاندن

نخستین شرط هر اتحاد عمل واقعی باید روشن شدن این مساله باشد که ما با چه کسانی، بر سر چه اهدافی و تا کجا می توانیم وحدت داشته باشیم. این امر مستلزم آن است که وضوح و روشنی کاملی در نظریات، اهداف و مقاصد سازمانهای سیاسی وجود داشته باشد.

طبقه کارگر به زور پرچم بورژوازی گام برمی دارند اینان همانگونه که گفتیم از يك سر مداوماً بر ضعف تشکل و آگاهی طبقه کارگر و از سوی دیگر بر ضرورت تشکل يك اپوزیسیون نیرومند برای سرنگونی رژیم تأکید می کنند. ما کمان نمی کشیم که طبقه کارگر ایران هنوز از آموختن تشکل و آگاهی

ندارد، پس کسی نمی تواند خود را انقلابی و دمکرات بنامد، شمار وحدت نیروهای انقلابی و مترقی را برای سرنگونی رژیم سردهد. اما خواهان در دست گرفتن قدرت توسط کارگران و دهقانان نباید. کسی نمی تواند از دمکراسی و آزادی سخن بگوید.

امروز تنها طرح شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی برای اتحاد عمل و وحدت رزنده میان سازمانها و احزاب انقلابی و دمکراتیک کافی نیست. حتی شعار انقلاب به تنهایی کفایت نمی کند چرا که طرح این شعارها بی توجهی از هیچ تشکل انقلابی و دمکراتیک معنی سخن نمی گوید.

اما خواهان انحلال تمامی دستگاه دولتی موجود، تسلیح عمومی خلق و شوراهای آزادی کسی نمی تواند طرفدار آزادی و دمکراسی باشد، اما از پذیرش جدایی دستگاه دولت از مذهب و حق طبقاتی تحت نام به تمییز سرنویست خود سرپا زنده کسی نمی تواند فرد امپریالیست باشد، اما از پذیرش اقدامات عسلی در جهت برانداختن سلطنت که آن سرپا زنده کسی

نمی تواند، دمکرات و انقلابی باشد، اما درخواست های کارگران و دهقانان را نپذیرد. این است آن رهس کسبی اهدافی که ما در مرحله کنونی انقلاب می توانیم بر اساس آنها با هر نیروی انقلابی و دمکراتی برای سرنگونی رژیم اتحاد مبارزاتی داشته باشیم و حتی توافق مبارزاتی اصفا کنیم.

جمهوری اسلامی، قدرت سیاسی باید در دست نیروهای انقلاب که همانا کارگران، دهقانان و خرد بورژوازی شهری است قرار گیرد.

بند دوم - تضمینی است برای برقراری يك دمکراسی توده ای و واقعی، ماشین دولتی موجود تماماً در خدمت حفظ منافع و قدرت طبقات متکبر و ارجحی است، مادام که این دستگاه دولتی با برجاست، هیچ تضمینی برای يك دمکراسی واقعی در ایران وجود نخواهد داشت تنها در هم شکستن تمام این دستگاه و در پیش تسلیح عمومی خلق، و اعمال حاکمیت توده ها از طریق شوراهایی که به شاخه ارگان های مکتسبه و اجراییه عمل می کنند، می تواند تضمینی برای يك دمکراسی پایدار و آزادی های سیاسی باشد.

بند سوم - تأکید بر این واقعیت است که بدون جدایی کامل دستگاه دولت از مذهب، هیچ صحبتی از آزادی سیاسی نمی توان به میان آورد.

بند چهارم - به رسمیت شناختن قطعی و بی چون و چرا و پاسخگویی به یکی از درخواستهای طبقاتی تحت نام کرد، ترک، ترکمن، عرب و بلوچ است، که آزادانه سرنویست خود را تعیین کنند، و متمسک برای همیشه بر افتند.

بند پنجم - بیانگر اعتقاد به مبارزه عسلی علیه امپریالیسم و برانداختن سلطه آن است بند ششم - پاسخگویی یکی از درخواست های اساسی طبقه کارگر ایران است.

بند هفتم - بیانگر اعتقاد به دمکراتیزه کردن اقتصاد و کنترل فارتگری سرمایه داران می باشد.

بند هشتم نیز پاسخگویی اساسی ترین درخواست های دهقانان می باشد.

اگر در این برنامه وقت خوب به خوبی روشن می گردد که تماماً در چارچوب يك رژیم دمکراتیک امکان پذیر است، و هیچ چیز سوسیالیستی در آنها وجود

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

ضرورت

وحدت

برخوردار نیست نه بتواند بنا بر قدرت نیروهای انقلابی غیرولترنی را به دنبال خود بکشد، اما برخلاف ادعای کسانی که می‌خواهند، این را مستحکم برای کناندن طبقه کارگر به دنبال روی از بورژوازی قسرار دهند، ما معتقدیم که این ضعف تشکیک و آگاهی نمی‌تواند ضعیف به تکلیف کردن طبقه

دوران قیام در درون کارگران پائیده شده است، امروز نتایج خود را به بار آورده است.

پس در حقیقت کسانی که ضعف تشکیک و آگاهی طبقه کارگر را مستحکم برای عدول از پذیرش اهداف بلاواسطه انقلاب قسرار می‌دهند، هدفی جز تضعیف جنبش طبقه کارگر ایران دنبال نمی‌کنند، تازه هرآنچه که جنبش طبقه کارگر ایران ضعیف باشد، کسی نمی‌تواند آن را بهانه و توجیهی برای چشم پنهانی از ضرورت تحولات انقلابی و دمکراتیک قسرار دهد. هرکسی که بر خود نام انقلابی و دمکرات می‌گذارد باید ضرورت این تحولات و اقدام عینی در جهت آن را بپذیرد.

اگر رشد نارضایتی و فوران جنبش انقلابی توده‌ها محصول آشنایی ناپذیر تضادهایی است که نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر ایران با تمام فشار و عصبانیت اقتصادی و سیاسی خود آفریننده آنهاست. و اگر اهداف فوری انقلاب ایران ناشی از ضرورت‌های عینی است که توده‌های مردم را به سوی تحقق این اهداف سوق می‌دهد، پس روشن است که تمام تلاشهایی که در جهت خلاصه‌سازی این اهداف صورت گرفته، با شکست روبه‌رو می‌گردد و بنا بر اینست که سرخشنی بر روی ضرورت تحولات انقلابی - دمکراتیک در جهت

نسبت به دوران قبل از قیامها کیفیت نوینی در عرصه مبارزه ظاهر شده است. طبعی این دوران هزاران کارگر آگاه به منافع طبقاتی خود پرورش یافته اند، دهها هزار کارگر دیگر از طریق تقویت و استحکام فریضه طبقاتی شان طی مبارزات چند ساله اخیر، به ضرورت نفسی نظم موجود دست یافته‌اند و در پشت سر این کارگران میلیونها کارگری قرار دارند که فشارهای ضد انقلابی و سیاسی نظم موجود آنها را به مبارزه برای برانداختن این فشارها سوق داده است، احتمالات خوالی چند سال اخیر آگاهی

هرگام در رشد مبارزه و اعتلاء جنبش، توده‌ها را پیش از پیش به سوی آن خط و منی و برنامه‌های سوق خواهد داد که صریح و آشکار مطالبات توده‌ای و اهداف بلاواسطه انقلاب را در صدر برنامه خود قسرار داده است. بدین طریق است که می‌توان مبنایی برای یک اتحاد مبارزاتی عینی بنا نهاد، و در جهت پیروزی انقلاب گام برداشت.

و همبستگی طبقاتی را در میان کارگران ارتقاء داده است. جنبش طبقه کارگر امروزه کجاست از دوران قبل از قیام متمایز است. چه دلایی بیشتر از این می‌توان ارائه داد که امروزه بر خلاف دوران قبل از قیام جنبش کارگری زائیده جنبش روشنگران و دانشجویان

کارگر در برابر بورژوازی گسرد. علاوه بر این طبقه کارگر ایران اکنون تا به آن حد به آگاهی و همبستگی دست یافته است، که پیمنازترین طبقه در مبارزه علیه رژیم حاکم باشد. نظری به مبارزه طبقات و اقسام مختلف جامعه طی چهار سال از هنگامیکه رژیم جمهوری اسلامی به نیروی هم سریان و دیکتاتوری عنان گسیخته ضمیمه گردید، این حقیقت را آشکار می‌سازد که طبقه کارگر طی این مدت تنها طبقه ایست که استوار و ثابت قدم به مبارزه علیه رژیم ادامه داده و با توسل به اشکال متعدد مبارزه به صوه اعتصاب - مبارزه ای جدی با رژیم برخاسته است. حتی مرتجعین هیئت حاکمه نیز نمی‌توانند هراس خود را از رشد این جنبش پوینده دارند، و به خطر رشد جنبش کارگری اشاره نکنند.

طبقه کارگر ایران شش سال مبارزه سخت و پر تلاطم را در دوران انقلابی کثونی پشت سر گذارده است. تجارب ارزنده ای طی این مدت کسب نموده، به آگاهی‌های نوینی دست یافته و همبستگی این طبقه به شدت تقویت شده است. جنبش طبقه کارگر ایران اکنون

کسی نمی‌تواند از دمکراسی و آزادی سخن بگوید، اما خواهان انحلال تمامی دستگاه دولتی موجود، تسلیم عمومی خلق و شوراها نباشد، کسی نمی‌تواند طرفدار آزادی و دمکراسی باشد، اما از پذیرش جدایی دوات از مذهب و حق طبقاتی تحت ستم به تعبیر سرنوشت خود، سرباز زند. کسی نمی‌تواند دمکرات و انقلابی باشد، اما درخواست‌های کارگران و دهقانان را نپذیرد.

کسی نمی‌تواند از دمکراسی و آزادی سخن بگوید، اما خواهان انحلال تمامی دستگاه دولتی موجود، تسلیم عمومی خلق و شوراها نباشد، کسی نمی‌تواند طرفدار آزادی و دمکراسی باشد، اما از پذیرش جدایی دوات از مذهب و حق طبقاتی تحت ستم به تعبیر سرنوشت خود، سرباز زند. کسی نمی‌تواند دمکرات و انقلابی باشد، اما درخواست‌های کارگران و دهقانان را نپذیرد.

انقلاب و وحدت عینی گام برداشته ایم. هر گام در رشد مبارزه و اعتلاء جنبش، توده‌ها را پیش از پیش به سوی اهداف بلاواسطه انقلاب قسرار می‌دهد، هدفی جز تضعیف جنبش طبقه کارگر ایران دنبال نمی‌کنند، تازه هرآنچه که جنبش طبقه کارگر ایران ضعیف باشد، کسی نمی‌تواند آن را بهانه و توجیهی برای چشم پنهانی از ضرورت تحولات انقلابی و دمکراتیک قسرار دهد. هرکسی که بر خود نام انقلابی و دمکرات می‌گذارد باید ضرورت این تحولات و اقدام عینی در جهت آن را بپذیرد.

نیست، به دنبال آن به حرکت در نیامده است، بلکه جنبش است مستقل که در برابر همه طبقات جامعه ایستاده است. جنبش طبقه کارگر، جنبش است که مستقلاً با قربانین ذاتی و منطقی درونی خویش تکامل می‌یابد و زندگی و شرایط اقتصادی و مبارزاتی طبقه کارگر او را به سوی آگاهی، و تشکیله پیوسته خدمتی و برنامه انقلابی و نفسی نظم موجود سوق داده

نهم خرداد یاد آور روزی خونین در تاریخ خلق عرب

۶ سال پیش، در روز نهم خرداد ۵۸ رژیم جمهوری اسلامی طی توطئه ای از پیش طرح ریزی شده، یورش سیمانه ای را به خلق عرب آغاز کرد و قلب گارگران و زحمتکشان ستمدیده عرب را آماج گلوله قرار داد.

در این روز پاسداران، تکاوران سرکوبگر ارتش، به همراه مزدوران سازمان ارتجاعی اصل در سرکوب جنبش انقلابی خلق عرب از هیچ جنایتی فروگذار نکردند و آشکارا با آفرینیدن صحنه های هولناکی از کشتار و قتل عام، سبیمیت و دزدنسی خود را به نمایش گذاردند.

مزدوران رژیم صدها تن از زحمتکشان عرب از سرد و زن و پیر و جوان را در خون خود غرقه ساختند. عده بیشماری از مردم بی دفاع را دستگیر و دهها خانه و کسالتانیه مردم را صران و در میان آتش و دودیه تلی از خاکستر بدل نمودند.

در آن روزها ارتکاب اینگونه جنایات از سوی رژیم برای بخش وسیعی از توده های مردم باور نکرده می بود. اما رژیم جمهوری اسلامی که با استفاده از توهم توده ها در صدد محو و انیهدام آمال و اهداف انقلابی آنان بود در سرکوب خونین خلق عرب یکبار دیگر برده ریا و فریب را از چهره برکشید و با تمسخر و آشکارا به حقوق و آزادیهای دمکراتیک توده های زحمتکش خلق عرب، دشمنی خود را با کلیه خلقهای ایران به نمایش گذاشت. رژیم جمهوری اسلامی چنین یورش ددمنشانه ای را در همان روزهای اول حکومت ننگین خود، به خلقهای کرد و ترکمن نیز آورده بود و دست به کشتارهای نافرمانی در کردستان و ترکمن صحرا زده بود، ولی هرگز نتوانسته بود این چنین ددمنشانه عمل نموده و ضربات مهلکی بر جنبش انقلابی در کردستان و ترکمن صحرا وارد آورد.

خلق عرب نیز همچون سایر خلقهای ایران سالها درازی است که تحت تعدی و انقیاد نظام استکمرانه حاکم قرار داشته است. اما مردم عرب همواره در مقابل اعمال ستم توسط دستگاههای سرکوبگر و دستگامهای عریض و طویل بوروکراسی آن

مقابل یورش لجام گسیخته ارتجاع در خرداد ماه ۵۸ سازمان نیافت و عده درگیرها که گاه شکل تیر مسلحانه و گاه به صورت جنگ و تیریز خیابانی توسط اهالی با مزدوران رژیم صورت می گرفت خوبسختی و پراکنده بود، بلکه در اولین ضرباتی که کانونهای سیاسی و خلق عرب تحمل گشتند عملا قدرت انتقامت خود را از دست داده و در زیر فشار از هم پاشیده شد و دیگر امکان احیای مجدد نیافتند.

تجربیات برآورد جنبشهای توده ای در کردستان و ترکمن صحرا بر نقش مستقیم و تسلیح تودهای و سازماندهی نظامی و حضور فعال نیروهای سیاسی به عنوان عوامل صدمه در تداوم مبارزه صدمه گذارند.

سازمانهای شرقی و انقلابی خلق عرب به سرعت توانسته بودند در میان توده های زحمتکش پاکرخته و رهیت اجتماعی بایند.

این امر که بیش از همه ریشه در وضعیت اجتماعی - سیاسی خلق عرب داشت، باعث گردید تا جنبش طی مراحل مختلف از رشد جنبش کارگری وضعیت امپریالیستی مردم در سال های سی و پنجاه و حتی سال های اخیر به دلیل این ضعف اساسی از پیوند عمیق با جنبش خلقهای سراسر ایران برخوردار نباشد. و همواره در معرض گزاینات تنگ نظرانه ناسیونالیستی قرار گیرد. نبود رهبری انقلابی و پیروتری و عدم سازماندهی هدفمند و آگاهانه جنبش خلق عرب بر اساس منافع کارگران و زحمتکشان باعث گردید تا عملاً رهبری این جنبش به دست شیوخ مرتجع و خوانین ارتجاعی منطقه بیافتد.

رژیم استکمر جمهوری اسلامی که با یورش به خلق عرب در نهم خرداد ۵۸ روزی سیاه و خونین را آفرید، اگر چه ضربات مهمی به جنبش خلق عرب وارد ساخت و در اولین قدم های حکومت ننگینش با اعمال سنگری سیمانه طی طبقاتی پرتوده های زحمتکش خلق عرب آنها را از سرکونه حقوق ملی، فرهنگی و سیاسی محروم ساخت

به مبارزه برخاسته اند و صفحاتی خونبار صلو از جسارت و استواری در برآوردن اهداف خود را پشت سر گذاشته اند.

خلق عرب که طی چندین سال حکومت ستم شاهی آریامهر، دوران سیا هی از رنج و حقارت را با مقاومتی پایدار سپری ساخته بود، با اولین تک جنبشهای قیام در آستانه سال ۵۷ با دیگر خلقهای ایران در مبارزه علیه بساط ظلم و ستم رژیم پهلوی هم آوا شد و پس نددت مبارزانش افزوده گشت تا جنبش توده های تمام عیاری در میان زحمتکشان این خلق ستمدیده و محروم شکل گرفت و با هدف کسب حقوقی برابر با کلیه ملل ساکن ایران، رفع ستم ملی و برچیدن بساط وحشیانه ترین شیوه های سرکوب، سر فیل نهی را در حینات خوشر آفاز نمود.

برپائی کانونهای سیاسی - فرهنگی، اولین جرعه تجلی بلاواسطه اراده و عزم تاریخی خلق عرب برای کسب حق تعیین سرنوشت خود بود. اما علیرغم اهداف مشخصی که این کانونها در مقابل خود قرار داده بودند، واقعیت این بود که آنها به شکل های متناسب با الزامات مرحله ای يك جنبش توده ای تبدیل نگشتند. جنبش توده ای خلق عرب فاقد يك سازماندهی منجم و یکارچه بود. زحمتکشان عرب در شکل های خاص خود یعنی همان ارگانهای توده ای که ضمن حفظ قدرت و ابتکار آنان است سازمان نیافتند و بدین لحاظ مبارزات آنها با وجود ابعاد پیچیده و زمینه های عینی اثر مستحکم و پایدار نماند و در اولین یورش های ارتجاع شعله های آن رو به افول گذارد و تاثیرات ناشی از آن خود را به شکل ملموسی نمایان ساخت.

نه تنها مقاومت توده ای در

تحلیل تظاهرات

از صفحه ۱۸

داشته باشد، وگرنه هر غیر این صورت موضعگیریها پیرامون یک سری اخبار و اطلاعات موعوم، در مورد یک نیروی سیاسی، یعنی از آن که نشانه پی رفتی باشد، نشانه چیزی جز سرگردانی سیاسی نخواهد بود، به ویژه وقتی که خود موضعگیری، هم نشان از دم خورین داشته باشد و هم بهان از قسم حضرت عباس.

حزب دمکرات کردستان در گذار رادیویی روز اول خردادماه خود دست به ابتکار جالبی زد و غیر از تظاهرات موهومی داد که گویا به دعوت سلطنت-طلبان و شخص شخص شاپور بختیار در تهران صورت گرفته است. حزب دمکرات بعد از تکرار غیر چنین تظاهرات موهومی از قبل خبرگزاری های معلوم الحال در پایان این گفتار با تأثر گفت:

"باید هشیار بود از این حرکت اعتراضی که در آن از جهت تجزیه نیروها جدا کردن زحمتکشان از بقیه نیروها بهره برداری ننمایند. چرا که در شرایط کنونی ایجاد تفرقه بین نیروها به ابتاء رژیم کمک خواهد کرد و سر."

البته حزب دمکرات علیرغم رایبونی و اظهار تأثر عمیق از ناآگاهی توده ها که گویا به دعوت شاپور خان بختیار لبیک گفته بودند، و آلت دست شدن آنها و تاخت و تاز بی حسابا به حساب بختیار و شرکا در حقیقت یا اینکه گفتار واهی، قبل از همه دست به کاری زد که هرگز از خود جناب بختیار هم ساخته نبود.

دروغ بزرگی را کدر برده، های امپریالیستی دمیده شده ریزتر شده بود، به جای واقعیت از رادیوی خبی پخش و حتمی پیرامون آن به تحلیل و ارزیابی پرداخت. تفرقه و تشتت آیزوسیمون انقلابی را قبل از همه نتیجه گرفت، ناآگاهی توده ها را وسیله قرار داده، آرامی نسبی و خیمتسمن داری مزدوران سرکوبگر رژیم را به عنوان نشانه قدرت کنترل

رژیم وارد تفسیر خود کرد، علیرغم حمله به سلطنت و بختیار خطر سلطنت را عمده کرد، چیزی که امروز دیگر یک توهم بینتر نیست و دهها نتیجه گیری دیگر ...

حزب دمکرات که گویا این خبر "مهم" را از خبرگزاریهای خارجی و از رادیوهای آنها دریافت کرده بود توجهی به این واقعیت نکرد و یا نفواست بکند که رأی چیست. حزب دمکرات توجهی به این واقعیت نداشت که خود خبرگزاریها با چه زنگی و تردستی هشیارانه ای راه رفتن عادی مردم تهران در پیاده روها و ترافیک عادی و دائمی خیابان های تهران را به حساب جاری تظاهرات بختیاری ها گذاشتند، حزب دمکرات حتی به این امر نیز توجه نکرد که روزهای جمعه در مناطق شمال تهران به جز راه بندان، نباید انتظار دیگری داشت و خود حضرت بختیار خوب از این واقعیت آگاه است. در واقع می توان گفت حزب دمکرات بدون توجه به این واقعیت روی حساب خالی جناب بختیار چک سفید کشیده توهم پراکنی های موجود را بنیای گفتار رادیویی خود قرار داد. و به تجزیه و ترکیب و تحلیل عوامل پرداخت.

از همه این نانی گریها گذشته، امروز برای جنبش انقلابی زحمتکشان نه تنها کردستان، بلکه سراسر ایران این امر مهم و مطرح است که چرا حزب دمکرات که پرستار شعار "ناورست آزادی های بدون قید و شرط این همه اقتدار دارد، چگونه به نازی اینقدر "دمکرات" شده که بدون توجه به صحت و سقم اخبار و زلزله با اعتقاد به خبرگزاری های خارجی مورد نظر خود و بدون هشیار لازم به پخش شایعاتی می پردازد که جز ایجاد سرگردانی و تجزیه نیروها و جدا کردن زحمتکشان از بقیه نیروها (البته حزب دمکرات روغن نمیکند که این بقیه نیروها کی ها هستند و چه نقشی در جنبش ایران دارند) و دامن زدن به تمایلات پوسیده و ضدم شده سلطنت طلبان در میان مردمی دارد که به قول خود حزب دمکرات آنرا، یعنی سلطنت را یک بار "به گسور

صبرده اند و بگذار ما اضافه کنیم برخلاف توهمات بختیار و حامیان آن برای همیشه از صحنه تاریخ ایران محو ساختند. آیا می توان گفت که این امر یعنی پخش خبر چنین تظاهرات تکران کننده و هشدار دهنده ای یک امر تصادفی است همانطور که صاحب نظر لیسرال صلتک مورد نظر حزب دمکرات از صدای کردستان تصادفی بود؟



توضیح و تصحیح:

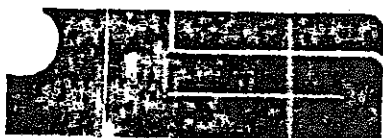
با پوزش از خوانندگان لازم به توضیح است که در شماره ۲۹ ریکای گدل در مقاله وضعیت جنبش انقلابی خلق کرد و چشم انداز تاکتیک مذاکره صفحه اول ستون سوم سطر دوم صلتک اشتباه چاپی رخ داده است و بدین صورت درآمده است:

"زمانی که عوامل عینی یک نبرد اقتصادی تشدید ..."

نادرست آن چنین است و بدین وسیله تصحیح می گردد:

"زمانی که عوامل عینی یک نبرد افضای تشدید ..."

نشریه



اگان

سازمان چهرکهای فدائی خلق ایران

را بخوانند

اعتراضات توده‌های علیه جنگ ارتجاعی

اخبار جنبش توده‌های

ومالی زیادی به اهالی آن وارد آمده است و در واقع پیرانشهر امروز سیاهی پیک شهر صرانه را به خود گرفته است. اهالی شهر را تخلیه کرده و آواره روستاهای اطراف شده اند. تعدادی از این آوارگان در شهرک که ویدر که یک مجتمع مسکونی دولتی است ساکنی گزیده اند.

به دنبال بمباران وحشیانه اکثر شهرهای ایران و عراق و گسترش دامنه جنگ در پشت جبهه های رسمی آن، اکثر شهرهای کردستان انقلابی نیز بمباران گشته و هزاران نفر از اهالی آنها آواره و بی خانمان شدند. این بمباران ها در کردستان انقلابی زمانی صورت می گیرد که بیش از شش سال است خلق قهرمان کرد هر روز و هر ساعت در معرض توپ باران و بمب های درشتان رژیم جمهوری اسلامی قرار دارد.

در ماه های اخیر و به دنبال بمباران شهر ها، اعتراضات ضد جنگ اکثر شهرهای کردستان صورت گرفته است. که در زیر چند نمونه از آنها را می آوریم.

*

★ روز ششم اردیبهشت ماه در مشهد تظاهراتی علیه جنگ ارتجاعی و رژیم جمهوری اسلامی صورت گرفت که طی این تظاهرات شعارهایی علیه جنگ و رژیم از خیابان کتوسی به طرف خیابان ولیعهد سابق و دسته ای دیگر از طرف زندان شهر به سوی خیابان گشن به حرکت درآمدند. پاسداران مزدور رژیم که جرات نزدیک شدن به تظاهرات را نداشتند، به دنبال تظاهران کنندگان به راه افتاد و زبونانه شاهد هر لحظه انبساط تر شدن نفوس متعرضین گشتند. این تظاهرات یک ساعت به طول انجامید و تظاهرکنندگان بدون آن که مزدوران رژیم امکان دخالت پیدا کنند پراکنده شدند.

★ در پیرانشهر نیز اعتراضات علیه جنگ صورت گرفته است. این شهر بر اثر بمباران های متعدد رژیم عراق به کلی ویران شده است و خسارات جانی

اخیراً مزدوران رژیم به آوارگان این شهرک فشار آورده اند که ساختمانهای دولتی را تخلیه نمایند. اما مردم هم چنان به مقاومت در مقابل خواست مزدوران رژیم پرداخته از تخلیه شهرک که ویدر خودداری نموده اند. فرمانده مزدور سپاه پاسداران بعد از آن که از تخلیه شهرک نومید گشته است، آوارگان ساکن آن را تهدید کرده است که اگر شهرک را تخلیه نکنند با بولدوزر ساختمان ها را ویران خواهد کرد. ولی تهدید او نیز توانیست در عزم و اراده این زحمتکشان خللی وارد آورد و آنها هم چنان در مقابل خواست مرتجعین مقاومت نموده و دست به اعتراض زده اند. اما مزدوران رژیم از کار باز نایستاده با گریز و بولدوزر در محل حاضر شده تلاش نموده اند که تهدید خود را عملی نمایند. این اقدام مزدوران بر شدت خشم و آزار اهالی افزوده، و اعتراضات آنها را شدت بخشیده است. اهالی این شهرک دسته جمعی در ادامه اعتراضات خود جلوی فرمانداری پیرانشهر رفته و به دفاع از حق برخورداری از سربناهی برای زندگانی برخوردار شده اند.

همچنین در تاریخ ۲۰ خرداد ماه نیز دانش آموزان پیرانشهر که به علت بمباران شهر و ویرانی آن آواره روستاها شده اند، در روستای گزیک هنگام برگزاری امتحانات آخر سال با پاسداران درگیر شده و یکی از آنها را خلع سلاح می کنند. روز ۱۱ خرداد ماه نیز همین دانش آموزان با پشتیبانی و حمایت مردم روستا دست به تظاهرات زده و به حضور پاسداران مزدور در جلسات اعتراضی می نایستند و نفرت و آزار خود از این مزدوران مرتجع را به نمایش می گذارند.

در بانه نیز روز نهم خرداد ماه دانش آموزان مدرسه خاکی که به علت بمباران و ویرانی شهر آواره روستاها شده اند، نسبت به رفتار سرکوبگرانه مزدوران رژیم دست به اعتراض می زنند. آنها هنگامی که برای برگزاری جلسه اعتراضی می رفتند، بعد از مشاهده حاصره روستا توسط مزدوران رژیم به این کار مزدوران اعتراض می کنند. اما مزدوران رژیم به اعتراض آنها اعتراضی نکرده، هم چنان به حاصره روستا ادامه می دهند دانش آموزان نیز به عنوان اعتراض جلسه امتحانی را تیرک کرده و با دادن شعار و سرود خوانی مخالفت خود را آشکار می سازند. رئیس آموزش و پرورش دانش آموزان را دعوت به آرامش نموده، از آنها خواهد پرسر جلسه امتحانی برگزارند اما دانش آموزان انقلابی پیگیرانه روی خواست خود پهن بر رف حاصره از روستا، پسای می فشارند. و به اعتراضات خود ادامه می دهند. رئیس مرتجع آموزش و پرورش، زمانی که از تهدیدات خود نتیجه نمی گیرد، و دانش آموزان را هم چنان بر تصمیم خود استوار می بیند، امتحانات را ملغی اعلام کرده، بدین وسیله بر کار یک ساله فرزندان زحمتکشان این منطقه خط بطلان می کشد.

★ اهالی زحمتکش شهر ربط نیز در روز بیستم خرداد ماه بعد از بمباران شهر توسط هواپیماهای رژیم عراق، با شعارهایی علیه جنگ و علیه رژیم، دسته جمعی مجبور به تخلیه شهر می شوند و آواره کوه و دشت می گردند.

★ کربلای فرب نیز همچون اکثر شهرهای کردستان از آفتابهای جنگ ارتجاعی بی نور مانده و

☆
* اخبار جنبش نوده ای *

برای چندمین بار در تاریخ ۲۲ خرداد ماه توسط رژیم عراق بمباران شد. این بمباران در میانه ۲۰۰ نفر کشته و بیش از ۱۰۰۰ نفر زخمی از خود برجای گذاشت. مردم شهر در حین بمباران کشته شدند و مجروحین بمباران به شمار دادن علیه جنگ و رژیم و سیاست های جنگ طلبانه مترجمین حاکم پرداخته و دست به تظاهرات زدند. که منجر به دخالت مزدوران رژیم و تیراندازی پاداران به صفوف تظاهرکنندگان گردید که طی آن و نضربه شهادت رسیدند.

چند خبر از سنندج

باتوجه به روحیات انقلابی مردم مبارز شهر سنندج مزدوران رژیم به انحاء گوناگون تلاش می نمایند که به آزار و اذیت مردم پرداخته و بدین وسیله زهرچشی از آنها بگیرند. نمونه های متعددی از این گونه اعمال رژیم را در ماههای قبل آورده ایم. مزدوران رژیم در هر کجا که توانسته اند تظاهرات شهر سنندج، بلکه در اقصی نقاط کردستان برای درهم شکستن روحیه انقلابی توده های خلق کرده دست به هر جنایتی زده اند. اما جنایات و اقدامات در میانه آنها هیچ گاه از سوی توده های زحمتکش و قهرمان خلق کرد بی پاسخ نمانده است.

در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه ماشین گشت تارالک در یکی از محلات شهر به نام گل که جار مورد سنگاران اهالی قرار می گیرد و مردم زحمتکش محله با چوب و سنگ به جان مزدوران افتاده، شیشه های ماشین را شکسته و تمامی سرنشینان آن را زخمی می نمایند. مزدوران رژیم از

روزها دیگر خالی بودن صفوف نماز جمعه رژیم چنان آشکار گشته است که امام جمعه شهر از پشت بلندگو به تهدید کسبه و اصناف پرداخته که اگر در نماز رژیم شرکت نکنند، سفارزه های آنها تخته خواهد شد و...

عین همین صاله در برگزاری روز قدس رژیم در شهر سنندج کاملاً مشهود بود. مسزدهوران رژیم در این روز در جلو مسجد جامع شهر به حضور و غیاب کنارشدان پرداخته بودند. ولی با این همه علیرغم تهدید کارشدان جز تعداد قلیلی از مزدوران مسلح رژیم کسی در محل برگزاری مراسم حاضر نشده بود. از همین رو نیز مزدوران رژیم سرا سینه به خانه ها و سفارزه های مردم شهر حطه برده و تلاش نمودند با تهدید و اهراب مردم را به راهپیمایی روز قدس و رژیم بکشانند. پاداران رژیم در این روز هر کسی را که بازداشت می کردند، اسلحه ای بر دوش انداخته و تظاهرات مزدوران رژیم روانه می کردند آنها زحمتکش شهر سنندج را تهدید می کردند که اگر در راهپیمایی روز قدس شرکت نکنند سرین سواد فدائی آنها قطع خواهد شد.

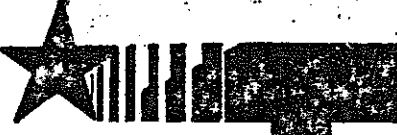
مقرهای اطراف خواستار اعزام نیروی کمکی می شوند. که بعد از چند لحظه چند ماشین پاسیدار و یک آمبولانس به محل می آیند. پاداران رژیم با توویل به تیراندازی و اهراب به دستگیری مردم می پردازند و ۱ نفر از اهالی محله گل که جار را دستگیر می نمایند. که مورد اعتراض مردم قرار می گیرند و مجبور می شوند هفت نفر از دستگیر شدگان را همانجا آزاد نموده و با عجله جان خود را از چنگ اهالی خشمگین محله رها سازند.

☆

روز جمعه ۲۷ اردیبهشت ماه نیز پاداران رژیم ارتعاضی جمهوری اسلامی، در بلوار شهر به توهین و اهانت به مردمی که در محوطه بلوار بودند پرداخته و تیراندازی می نمایند، هر چند آنها با اعتراض مردم روبرو می شوند، ولی با دانات تمام باز هم به کار خود ادامه می دهند. بالاخره بعد از چند درگیری لفظی مردمی که در محوطه بلوار بودند به درگیری با پاداران پرداخته و به ضرب و شتم آنها می پردازند و آنها را از محوطه دور می نمایند اما بلافاصله گروه گشت مزدوران خود را به محل رسانده، اقدام به دستگیری مردم می نمایند که باز با اعتراض چهارچشم مردم روبرو می شوند. این بار نیز پاداران مترجم مردم درگیر می شوند. جمعیت معترض بعد از این درگیری هر دم اقتضوتسر شده و با دادن شعارهای ضد رژیم و حطه به مزدوران، آنها را مجبور به ترک بلوار می نمایند، پاداران رژیم فرار را بر قرار ترجیح می دهند.

☆

مزدوران رژیم برای برگزاری نماز جمعه در شهر سنندج بیشتر از جاش های شهر و اطراف استفاده می کنند. این



استفاد و استفاد از خود
بشیه کمونیستی

منتشر شد

کهنه کردستان
نهای فدائی خلق ایران

اوقات
سازمان

اخبار جنبش توده‌ای

اعتراضات توده‌ای علیه

تسلیح اجباری

رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاست های ارتجاعی و سرکوبگرانه خود در کردستان در زمینه تسلیح اجباری زحمتکشان روستاها و سربازگیری اجباری این ماه نیز هم چنان به آنجا گوناگون بر فشارهای ارتجاعی خود نسبت به توده‌ها افزوده است و به هر حيله‌ای حصيل گشته است، ولی هم چون گذشته موفق به تحقق اهداف خود نگشته است. توده‌های

زحمتکش خلق قهرمان کرد و اعتراضات و مقاومت های دلیرانه خود تمامی سیاست های ارتجاعی رژیم را همچون شترسالم گذشته نقض بر آب ساخته اند و ناتوانی و زبونی رژیم در اعمال سیاست های سرکوبگرانه اش را یکبار دیگر به نمایش گذاشته اند. در رژیم گوشه‌ای از این مبارزات توده‌ای را نقل می کنیم.

وحشت از روحیه انقلابی آنها اسلحه بدون سوزن به آنها تحویل می دهند... اما اهالی روستای باغلوچو نیز بار ترسقه و در مقابل آنها دست به مقاومت می زنند، و در اعتراضات قهرمانانه خود نفرت و کین خود را در شعارهای ضد رژیم آشکار می سازند. مزدوران رژیم نیز مقابل برای مطالبه با اهالی زحمتکش این روستا چندین بار تظاهرات دسته جمعی آنها را به گلوله می بندند. ولی اهالی هم چنان دست به اعتراض و مقاومت می زنند و سلاح های بدون سوزن رژیم را که بر آنها تحمیل شده است به مزدوران پس می دهند. اما باصداران رژیم از پس گرفتار شدن سلاح ها خود داری می کنند. اینک اهالی این روستا که حاضر به تسلیح اجباری به نفع رژیم نیستند به عنوان اعتراض روستا را تخلیه نموده و به شهر سقز رفته اند و در آنجا به راه انداختن تظاهرات و دادن شعارهای ضد رژیم مخالفت خود را با اقدام مزدوران رژیم اعلام کرده اند.

اهالی روستای باغلوچو در ادامه مقاومت و اعتراض دسته جمعی در مقابل سیاست تسلیح اجباری مجبور به تیرک خانه و کاشانه خود شده و آواره روستاهای اطراف گشته اند.

همچنین مزدوران رژیم به اهالی روستاهای منطقه گورک سقز فشار آورده و از آنها خواسته اند که روستاهای گانی نهرنه و هریله را تخلیه نمایند. و به اهالی چند روستای دیگر از جمله سونج و باغلوچه نیز فشار آورده اند که اسلحه به نفع رژیم بردارند. ولی اهالی این روستاها نیز مخالفت خود را با خواست ارتجاعی رژیم اعلام داشته، حاضر به چنین کاری نشده اند.

در اشنه به نیز مزدوران رژیم به اهالی روستای نه لوس فشار آورده. و از آنها خواسته اند که مسلح شوند. اهالی این روستا نیز همچون دیگر زحمتکشان کردستان از تن دادن به چنین کاری خود داری نمودند.

مزدوران رژیم در همین منطقه تلاش نمودند که اهالی زحمتکش روستای ایندرقاش را که در سال ۵۳۰۵۸ نفر از اهالی آن توسط اوشان رژیم جمهوری اسلامی قتل عام شدند، مسلح نموده و با حيله و تیرنگ بر جنایات خود پرده ساقط کنند. اما اهالی قهرمان و زحمتکش ایندرقاش خاطر هولناک جنایات ضد بشری مزدوران رژیم را هنوز فراموش نکرده اند.

هم چنین در این ماه جاش های مزدور رژیم سریم روستاهای دول شیخان در منطقه سهاپاد را مورد اذیت و آزار قرار داده و از آنها خواسته اند که به نفع رژیم اسلحه بردارند ولی اهالی زحمتکش این روستاها نیز از تسلیم شدن به خواست مزدوران رژیم سرباز زداند، و تمامی تلهای آنان را بسا شکست رو بر سر ساخته اند.

در سقز نیز مزدوران رژیم اهالی روستاهای منطقه تورجان به وسیله اهالی روستای باغلوچه را تحت فشار و اذیت قرار دادند که اسلحه برای رژیم بردارند، مزدوران رژیم برای انجام اهداف سرکوبگرانه خود به هر شیوه‌ای متصبل شده، مزدور روستا را دستگیر می کنند، و

در منطقه سردشت، مزدوران رژیم در ادامه سیاست افسار پایگاههای جدید در تاریخ خرداد ماه نیز در روستای پاسای اقدام به تاسیس پایگاه نموده، از این طریق تلاش کردند تا زحمتکشان این روستا را مجبور به تسلیح به نفع رژیم بنمایند. اما این اقدام باصداران رژیم و جاش های مزدور با مقاومت شدید مردم روبرو شده است.

در منطقه سهاپاد نیز اهالی روستاهای سرچنبار، قباغ کندي و سه و بی فوت آباد و خطائی از سوی مزدوران رژیم تحت فشار قرار گرفته اند و مزدوران رژیم در این ماه تلاش نمودند که با ارباب اهالی زحمتکش این روستاها را مجبور به تسلیح به نفع رژیم نمایند. اما در این روستاها نیز مزدوران رژیم با مقاومت قهرمانانه توده‌ها روبرو گشته و اهالی با ایستادگی خود تن به چنین حقی ندادند.

همچنین مزدوران رژیم در منطقه شاروپران سهاپاد به تشکیل شوراهای اسلامی، تلاش نموده اند. از این ارگانهای جاسوسی رژیم برای پوششبرد سیاست های ارتجاعی خود سود جوند. باصداران و دیگر

ارگان کهنه کردستان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سرکوباری برای نیروهای سرکوبگر رژیم فاسد گذشته است.

ما در زیر چند نمونه از این گونه اقدامات ارتجاعی مزدوران رژیم را می آوریم:

مزدوران رژیم در تاریخ شانزدهم خرداد ماه به روستای "قوله سوپری" در منطقه "بازار سردشت"، حمله می کردند و با ارباب و اهالی روستا راه را به پایگاه خود بسته، به آزار و اذیت آنان می پرداختند. آنها بدون آنکه به اعتراضات زحمتکشان روستا وقتی بپنهند،

به ضرب و شتم آنها پرداخته و دست و پای چند نفر را شکستند و یکی از اهالی را جلو چشم آنها تیرباران می کنند. خواهر فرد زحمتکش تیرباران شده، خود را به روی جسد پسر جان و خلاص شده برادر خسود می اندازد. اما مزدوران رژیم با سر نیزه به سوی او حمله کرده، او را زخمی نموده و از جسد جدا می نمایند. مزدوران رژیم که با قیام و اعتراض زحمتکشان روستا رو به رو شده بودند به سوی آنها تیر اندازی نموده و یکی دیگر از اهالی را نیز به شهادت می رسانند.

در منطقه "پیراندر تیز اهالی روستای "کوتله خان" به همین ترتیب مورد بیگوشی درمشتاقان مزدوران رژیم قرار می گیرند. اهالی این روستا که از ترس بهاران روزها به کوه و دشت پناه می برند و شبها به خانه و کاشانه خود بر نمی گردند. هصر روز ۲۱ خرداد ماه هنگامی که به روستای خود بر می گشتند مورد پورش مزدوران رژیم قرار می گیرند. مزدوران رژیم اول به آزار و اذیت آنان پرداخته سپس زمانی که با اعتراضات جمعی آنان رو به رو می شوند به سوی آنها تیراندازی می نمایند و یکی از اهالی را مجروح می کنند. این کار مزدوران نه تنها از دامنه اعتراضات این زحمتکشان نمی کاهد، بلکه با مشاهده تیراندازی درمشتاقان به سوی اهالی، زحمتکشان روستا با مشت های گره کرده و شعارهای ضد رژیم معمانه به سوی مزدوران رژیم حمله می کنند، ونفرت و انزجار خود را نسبت به این جنایتکاران و مرتجعین اسلام می دانند.

اجرای این سیاست را با شکست قطعی مواجه ساخته است.

امروز دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست و تجربه چندین ساله اعمال این سیاست نیز همچون دیگر سیاست های شکست خورده رژیم آشکار ساخته است که چنین سیاست هایی علی رغم تمامی درمشتاقان و زالت های رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران آن در کردستان انقلابی قابل اجرا نیست. و سرنشستی جز شکست در پیش روی ندارد. هم چنانکه خود رژیم جمهوری اسلامی نیز علی رغم تمامی تلاش های مذبحخانه و پورش های درمشتاقان شش سال گذشته خود را وجود تمامی امکانات تبلیغاتی و انسانی اش توانسته است هیچ گونه موفقیت پایداری در کردستان به دست آورد.

سیاست آزار و اذیت زحمتکشان
نشانه ترس
و
ترس و بی در مقابل
جنبش انقلابی خلق کرد
است

مزدوران مستقر در پایگاههای متعدد رژیم در اقصی نقاط کردستان، به انحاء گوناگون به آزار و اذیت مردم زحمتکش روستاها پرداخته، تلاش می نمایند با ایجاد جو رعب و وحشت در میان آنها، امنیت و آسایش را برای خود، دست و پا کنند. ولی واقعیت این است که هیچکدام از این گونه تلاش های مذبحخانه مزدوران رژیم توانسته است خلقی در عزم و اراده توده های زحمتکش خلقی کرد ایجاد نماید، و مزدوران رژیم در سرانجام در کردستان همیشه و در همه حال مورد حمله قهرمانانه پیشمرگان خلقی کرد بوده و هستند و پایگاههای مزدوران با تمامی تجهیزات خود به زندان های مخوف و

رژیم جمهوری اسلامی درصدد اجرای سیاست سرکوباری اجباری در کردستان است

یکی از سیاست های ارتجاعی رژیم در کردستان، سرکوباری اجباری است، که از مدت ها پیش مزدوران رژیم برای اعمال آن از هیچ تلاشی فروگذار نگردانند، اما همانطور که تا کنون بر اخبار جنبش توده ای آشکار گردیده است، موفق به اجرای آن نشده اند. هدف این سیاست قبل از همه، جلوگیری از پیوستن فرزندان زحمتکشان خلقی کرد به صفوف پیشمرگان و اعزام آنها به کشتارگاه های جنگ ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی با دولت عراق است. گاهی به نمونه های از اجرای این سیاست روشنگر واقعیت شکست رژیم است.

در تاریخ بیست و پنجم اردیبهشت ماه گذشته، مزدوران رژیم جهت سرکوباری اجباری به محله "جاجی آباد" شهر سنندج پورتن می برند. و بلافاصله اقدام به دستگیری جوانان می نمایند. این اقدام مزدوران با اعتراض گسترده اهالی محله رو به رو گشته، و خشم آنها را برمی انگیزد. اهالی این محله با مزدوران رژیم درگیر می شوند و بعد از زد و خورد های فاصل آنها را مجبور به ترک محله می نمایند.

هم چنین در شهر بونان نیز مزدوران رژیم اعلام نموده اند که جوانان شهر برای انجام زوره سرپازی اجباری خود را به اداره نظام وظیفه معرفی نمایند، و تبلیغات وسیعی را برای برآوردن اهدای خود به راه انداخته اند. اما خود داری مردم از انجام خواست این مزدوران و روحیه اعتراضی اهالی شهر تلاش های ا. م. ک. کرده است.

به يك راه حل اصولی است. این دستنه از نیروها که تلاش می کنند سیاست به نعل و به میخ را پیشه کرده، از موضعگیری صریح طفره بروند، تاکنون روشن نیاخته اند که اگر ادامه این درگیری ها غیر اصولی و به زیان جنبش هست، چه کسی و چرا این درگیری ها را ادامه می دهد و چرا حاضر نیست پای آتش بس بدون قید و شرط بیاید، حول چارچوب مشخص مذاکره برای قطع درگیریها و تحسین مسائل قیامین دونیرو را آغاز کند. سراسری پرسیدنی است آیا این گونه نیروها خود از قید و شرطها پرهیز می کنند؟ اگر چنین است چرا علناً در سطح جنبش اعلام نمی نمایند و اگر غیر از این است چه چیزی مانع ابراز عقیده صریح اینگونه نیروهاست اگر اعتقادی به ضرورت آتش بس دارند چرا خود از آن دفاع نمی کنند. آیا این مساله رابه عنوان تنه آراه حل عاجل و فوری قبول می دارند؟ چه نقشی برای خود در این پرهیز حساس قائل اند؟ و چرا می خواهند فقط نظاره گر جوارش باشند؟

این دسته از نیروها در عرصه سیاسی امروز کردستان چه وظیفه ای را مقید بر این امر مهم می دانند که از نقطه نظر صریح و روشن و عینی در قبال مسائل مربوط به درگیری های کنونی که مهم ترین مساله امروز جنبش انقلابی خلق کرد است، برخوردار باشند. آیا خود این نیروها حاضر هستند، پای پلاتفرمی را که متضمن ضرورت رسیدن به يك آتش بس فوری و مذاکره برای رسیدن به يك راه حل

سیاست اصولی کدام است؟

و چرا باید...

از صفحه ۲

دمکراتیک و انقلابی برای اختلافات قیامین دونیرو باشد، اضا نمایند و بر اساس آن سیاست اتخاذ نمایند. و هر سیاستی و هر نیرویی را که به هر نحوی مخالف با جنبش اصولی باشد در سطح جنبش منزوی نمایند؟

ما سیاست خود در قبال این درگیریها را روشن ساخته و طی طرح سه سادفای مشخصی چگونگی برخورد به این درگیریها را روشن ساخته ایم و بر مبنای پذیرش یا عدم پذیرش مضمون چنین طرحی از سوی این یا آن نیرو نیز با نیروهای سیاسی برخورد مشخص می کنیم و از کلیه نیروهای انقلابی میسر خواهان اعلام صریح موضع خود در این مورد مشخص شده ایم که اخیراً کومه له نیز با انتشار طرحی مشابه در پیشرو شماره ۷، چارچوب چنین طرحی را روشن ساخته است که از نظر مضمون یا طرح پیشنهادی ما، فوق چندانگی ندارد. هر نیرو دیگری نیز که جدا از موضع مسئولانه ای خواهان قطع درگیری های کنونی است می تواند آمادگی خود را بر اساس مضمون همان طرح اعلام داشته و در جهت تبدیل نمودن این اعتقاد به اراده سیاسی برای تحقق عینی آن و ایجاد يك جبهه واحد سیاسی قدرتمند تحت جنبش سیاسی حرکت

نمایند. ما به نوبه خود بگرمی از چنین برخوردهای مسئولانه ای در هر سطح و میزانی استقبال نموده و خواهیم نمود، چرا که باید به این حقیقت آگاه بود که امروز دیگر بعد از ماهها، کاملاً روشن شده است که این درگیریها چه خطراتی را می تواند متوجه آینده جنبش انقلابی خلق کرد نماید. که نشانه های آن از همین امروز نیز پیداست. پس اگر اقدامی می باید کرد، باید از همین امروز و از همین جا آغاز کرد و در عمل خواهان قطع درگیریها بود و نه در حرف و سم هرگز و مسئولیت هر نیرویی را در ادامه وضعیت کنونی روشن ساخت و سیاست و برنامه روشنی را در قبال مساله درگیریها ارائه نمود و جنبش را حول آن به وحدت اراده دعوت کرد. و در شرایطی که الزامات جنبش خواهان برخورد قاطع و مشخص است، از پراکنده گویی و بی ارادگی پرهیز نمود و نیروهایی را که بی ارادگی و پراکنده گویی و سیاست بد نعل و به میخ را به سیاست عینی خود تبدیل نموده اند بک قاطعیت سیاسی و عینی اقصا نمود.

ما صراحتاً اعلام می داریم که از هرگونه تلاش در این زمینه و در جهت دست یافتن به يك آتش بس فوری و بدون قید و شرط و مذاکره برای رسیدن به توافق های اصولی در روابط قیامین نیروهای سیاسی استقبال نموده، و از جنبش تلاش هائیکه مجدداً پشتیبانی می کنیم. و آماده هرگونه اقدام سیاسی و عینی مشخص در جهت تحقق جنبش سیاسی هستیم.

خوانبر دست نشانده برده است و چسب می داند که تنها با اتکا به اراده خود و نیرو کارگران و زحمتکشان قادر به کسب حقوق دمکراتیک هستیم.

در ضمن مالک کرد گفتار خلق عرب در نهم خرداد ۵۸، با تدوین مبارزه تا تحقق خواست های مردمی کارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران یا د شهدای خلق عرب را گرامی می داریم و برهنم مبارزات سیاسی زحمتکشان خلق عرب می کسب حقوق خلق خود فرستیم.

برخ ستم و ضرورت اجتماعی اقتصادی و سیاسی نقش راهگشایی خواهد داشت.

خلق عرب امروز تحقق امر مطالبات و تحقق دمکراتیکش را در گرو پیوند مستقیم با کلیه خلقهای تحت ستم ایران و مبارزه مشترک برای درهم شکستن عامل ستمگری ملی و بوروکراسی موجود که پایه حاکمیت سرمایه داران و مترجمین می باشد، یافتند. خلق عرب امروز در تجربه عملی بی به ماهیت سازشکار و

نهم خرداد

از صفحه ۲ و با اعمال قهر فاشیستی و مداخله ارتش و بوروکراسی سلطه حکومت اختناق و سرنگ را بر شئونات زندگی کارگران و زحمتکشان حاکم گردانید، و بسی سرکوب خونین خود را در تجربه هر چند تلخ و گران اما پر بسیاری برای خلق عرب و نیروهای شرقی و انقلابی آن بود. آموخته های این تجربه میگوین بدون تردید، در مبارزه آتی



بمناسبت چهارمین سالگرد شهادت



فدائیان
خلق
سعید
سلطانپور

این نعره من است
این نعره من است که روی فلات می پیچد
و خاکهای سکوت زبانه تارک را می آشوبد
و با هزاران مشت گزران
بر آب های عمان می کوبد
این نعره من است
خاکستر زبان را از خشم روزگار

و مثل خار سبزهک و درختی
روئینده برقه های گل سرخ
آینده را
بمانند
در چشم روزگار
یاد آور شهادت شوریدگان خلق
بر ارتش مهاجم این نزاری
این تزار.

(سعید سلطانپور)

این گلشن ستاره دنباله دار اعدای
در بساط ارضوان
در ازدحام خلق
در دور دست و نزدیک
من هیچ نیستم
جز آن حطیه ای که در زمینه یک انقلاب
می گذرد
سهم و سترگ و خونین
در خون توده های زمان می قطد

غنائیم بدست آمده

| | |
|------|--------------------------------|
| ۱۱۱ | جنگ افزار انفرادی |
| ۱۷ | انواع نارنجک |
| ۲ | سی سوم |
| ۱۳۷۰ | انواع فشنگ |
| ۱۶۳ | خشاب |
| ۱۴ | جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین |
| ۲۶ | گلوله اصلحه سنگین و نیمه سنگین |
| ۳۴ | پوشش فریب خوردگان |

تلفات دشمن

| | |
|----------|---------------------------|
| ۳۹۱ | کشته و زخمی |
| ۵۲ | اسرای دشمن |
| ۱۱ | خود رو شهیدم یا صابزه شده |
| - | سلاحهای منهدم شده |
| ۱۰ صندوق | مهمات منهدم شده |

جدول یک ماهه
عملیات پیشمرگان
خلق کرد

۲۷ اردیبهشت ۲۷ خرداد

عملیات پیشمرگه

| | |
|----|-----------------------------|
| ۱۷ | کهن و کنترل جاده |
| ۹ | صحن گذاری |
| ۱۷ | مقابله در برابر یورش دشمن |
| ۲ | حمله به مراکز دشمن در شهرها |
| ۲ | خلع سلاح پایگاه |
| - | صابزه و انهدام تاسیسات |
| ۱۲ | حمله به پایگاهها |
| ۶۴ | جمع |

شهادت پیشمرگه

| | |
|---|---------------------|
| ۱ | شهادت پیشمرگه |
| ۹ | شهادت اهالی بی دفاع |

آمار این جدول عمدتاً از
اخبار رادیو ای حزب و کسرات
و گویا برده شده است.

سدرکه و توبی بزوتنه وهی شورشیگیراندهی گهل ورد

بلکه انسانهای
فربخ خورده ای در داخل
هستند که کارهای ایذائی
می کنند.
(روزنامه جمهوری اسلامی
دوم اردیبهشت ماه)

رفسنجانی مرتجع که این
سخنان را خطاب به پاسدارانی
که برای انجام مسئولیت سنگین
و قهرمانانه سرکوب توده های
زحمتکش خلق کرده عازم کردستان
بودند گفت. او علاوه بر آن که
به اراده این سرکوب به عنوان
کار مشکل اعتراف نمود،
بر چند واقعت انکار ناپذیر نیز
انگشت گذاشت، از جمله این که
مزدوران در کردستان بسا
دشمن خارجی تجاوز روبرو
نیستند، بلکه با خلق مسلح و
مصممی روبرو هستند که
اراده کرده است پوزه سرکوبگران
خود را بر خاک مالیده، با انگه به
قدرت مسلح خود، به حفظ
دستاوردهای انقلابی خود و حق
تعمین آزادانه سرنوشت خود،
دست یابد. خلق که مهم تر از
همه کارهای ایذائی می کنند
به مزدوران رژیم ضربه می زنند،
بدون آن که این مزدوران بتوانند
از خود دفاعی بکنند، یعنی
در حقیقت رفسنجانی به زبان بی-
زبانی به پاسداران جلاد خود
می فحاشد که آنها از لحظه ای
که پایشان را به خاک کردستان
می گذارند، هر لحظه ممکن است
سرشان را در راه اهداف ارتجاعی
رژیم جمهوری اسلامی از دست
بدهند، و هدف این پسا آن
علیات پارتیزانی و ایذائی
رژیم دکان خلق کرد قرار گیرند.

رفسنجانی به این هم اکتفا
نکرده و یکبار دیگر به شکل دیگری
مضمون حرف خود را تکرار می کند
تا قربانیان سیاستهای رژیم را هر چه
بیشتر شمرده نماید.

اما بدانید آنها که در
کردستان با شما طرف هستند،
دست به کارهای مودیانه
می زنند و افراد خوب و
زنده را شهید می کنند

در این سخنان جناب رفسنجانی
چه چیزی جز ترس و وحشت رژیم
را می توان مشاهده کرد. او بسا
گمانی که برای انجام مسئولیت
سنگین و قهرمانانه سرکوب

از صفحه ۱۸
جنگ انقلابی
در کردستان و ...

توده های زحمتکش خلق کرد به این
خطه اعزام می شوند، قبل از هر
چیزی می گوید که پیشمرگان
قهرمان خلق کرد، علاوه بر کارهای
موزیانه منظور نظر آقای
رفسنجانی گویا همان کارهای
ایذائی پیش گفته باشد، افراد
زنده و خوب را نیز شهید
می کنند یعنی فرماندهان،
سرکوبگران حرفه ای و دارو دسته
های آموزش دیده مرتجع
رژیم را نیز از سرنوشت رژیم
جمهوری اسلامی در کردستان
یعنی سرکوب قطعی بی نصیب
نمی گذارند.

براستی چه چیزی رفسنجانی
جنایتکار را چنین وحشت زده
ساخته است که به جای دل و جرات
دادن به مزدوران رژیم که برای
کشتار توده های زحمتکش بسا
کردستان اعزام می شوند، این
چنین جیونانه به ضعف و زبونی
رژیمش اعتراف نماید. آن قدرتی
که این چنین لاسرزه بر اندام رژیم
جمهوری اسلامی جناب رفسنجانی
انداخته است چیزی جز قدرت
اراده و عزم آهنین خلق کرد و
پیشمرگان قهرمان آن برای تحقق
اهداف خویش نیست که اینک پیش
از شش سال است در مقابله با
رژیم جمهوری اسلامی مبارزه
خونینش را به پیش برده اند،
مبارزه ای که حتی به اعتراف
خود رفسنجانی در تاریخ این
کشور بی سابقه است.

اما رفسنجانی در پایان
صحت های خود علیرغم تمامی
این اعترافات به واقعت دیگری
نیز اشاره می کند که بیانگسار
اهمیت و نقش واقعی جنبش انقلابی
خلق کرد در مبارزه برای
سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
است. او بعد از این همه صحبت
از کارهای ایذائی و بسا
هلاکت رسیدن افراد زنده

رژیمش، برای آن که بالاخره
قربانیان سیاست های رژیمش
را دلداری دهد، سعی می کند
به آنها اطمینان خاطر بدهد،
اما اینجا نیز خود او به نوعی
دیگر، به مزدوران اعزامی
حالی می کند که علیرغم این همه
کارهای ایذائی و هلاکت
افراد زنده چرا باید آنها
نیز به خیل محکومین به سرکوب
و نیستی رژیم در کردستان
پیوندند. او می گوید:
خودتان هم مطمئن باشید
که در حاسن ترین جبهه ها
می جنگید که اهمیت استراتژیکی
مهمی برای این کشور دارد.
(هانجا)

رفسنجانی با این سخنان
به خوبی آشکار می سازد که
حاسن ترین جبهه برای رژیم او،
سرکوب جنبش انقلابی کارگران و
زحمتکشان خلقهای سراسر ایران
و به ویژه جنبش انقلابی خلق کرد
است. این سرکوب برای رژیم
او اهمیت استراتژیکی دارد.
او خوب درک می کند که حیات
تنگین رژیم او از کجا و چگونه
تهدید می شود و چه چیزی
پایه های قدرت آن را هر روز
بیشتر از پیش شلزلزل تر
می سازد. و به همین دلیل نیز
علیرغم عدم اعتقاد به هرگونه
موفقیتی حتی برای زنده ماندن،
مزدوران سرکوب خود را برای
سرکوب توده ها، به کردستان
اعزام می دارند و دست بسا
همین دلیل نیز هست که رژیم او
بعد از شش سال، جنایت و کشتار
در کردستان مجبور است هر روز
بیشتر از پیش مزدوران خود
را به کردستان اعزام نماید.
و سردمداران این رژیم همچون
جناب رفسنجانی، در مراسم
تودیع جلاان خود، به جای
رجزخوانی های همیشگی، ترس و
وحشت کلیت رژیم خود را بسا
مزدوران تازه از راه رسیده، نیز
انتقال داده، پیشاپیش سرنوشت
سرکوب اسلاف این مزدوران را
بند آنها القا نمایند. و قبل

از هر چیزی علیرغم تمامی
هواخیزی و ترفندهای مرتجعانه
از شکست خود سخن بگویند،
و قدرت و صلاحیت مبارزه جاری
در کردستان را علیرغم میل خود
به موضوع اصلی اعترافات
خود تبدیل نمایند.

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنست

یادفدائیان خلق

رفیق کبیر

امیر پرویز پیویان

از رهبران بنیانگذاران مازمن
و خاطره شهادت حماسی او
در روز سوم خرداد ۲۴
ورفتی

سعید سلطانپور

شاعر، نویسنده و هنرمند انقلابی
که بدست جلادان جمهوری اسلامی
در تاریخ ۳۱ خرداد ماه ۲۴ به شهادت
رسید.

گرامی باد

خالق کرد پیروز است

جدول يك ماهه
علیات پیشمرگان
خالق کرد

در صفحه ۱۶

اخباری از جنبش توده‌ای

• اعترافات توده‌ای علیه تبلیغ
اجباری

• چند خبر از مستند

• اعترافات توده‌ای
علیه

• جنگ ارتجاعی

• اخباری از

• اقدامات رژیم
برای پیشبرد سیاست
سرمزگیری اجباری

• گزارشاتی از

• اذیت و آزار مردم بهجتک

• توسط مزدوران رژیم

در صفحه ۱۱

جنگ انقلابی در کردستان

اعترافات زبونا نه سردمداران رژیم

گسترش روز افزون و تعمیق
درونی جنگ انقلابی در کردستان
و در اشکال مختلف آن علیه
مزدوران رژیم جمهوری اسلامی،
عملاً رژیم را در انقلاقی جنگی
فرو برده است که حتی برای
خود دست‌اندرکاران جنایتکار
رژیم نیز پیروزی در جنبش
جنگ گسترده و عظیمی که از
پشتوانه شگرفی همچون اراده
خلق ناپذیر توده‌های میلیونی
خلق کرد، برخوردار است،
در آن مستحضر نباشد.
واقعیتی که امروز سردمداران
رژیم با تمامی تلاش‌های مذبوحانه
شان برای سرکوب جنبش
انقلابی خلق کرد و با تمامی
رجزخانیها و دروغ‌پردازانهایشان

منی بر تسلط بر سران رژیم
کردستان که بارها و بارها از
بیت بلندگوهای تبلیغاتی خود،
با آب و تاب تمام اعلام کرده‌اند،
و اداز به سخن نموده‌اند،
درخشان اینگونه اعترافات را
می‌توان در سخنان رفتنجانسی
جلاد خطاب به پاسداران اعزامی
به کردستان در اوایل اردیبهشت
ماه گذشته یافت. رفتنجانسی
ضمن صحبت‌های خود گفت:

• ما می‌دانیم که یکی از
کارهای مشکل، جنگی بر
کردستان است، به دلیل آن
که در آنجا به طور وضوح
شما با دشمن خارجی مواجه
روبرو نیستید، در صفحه ۱۷

تحلیل تظاهرات

یا

اشاعه توهمات

«سلما» وقتی يك نیروی
سیاسی، خبری یا تبلیغی
در مورد يك امر معینی را
از ارگان‌های سیاسی و تبلیغاتی
خود پخش می‌کند، با ایتقان و
آگاهی لازم دست به چنین کاری
می‌زند و هدف معینی را نیز
دنبال می‌کند، مثلاً نمی‌توان
از عطیات فلان نیروی معین
سخن گفت یا از این یا آن
موقعیت این یا آن جریان در
این یا آن حرکت مشخص صحبت
کرد، بدون آن که رد پاسی
برای خود در عوامل موثر در
این موقعیت نداند. با آنرا
به شایه هشدار تبلیغی نکرد
در هر دو صورت «سلما» آنچه
که می‌باید، همیشه مد نظر
قرار گیرد، قبل از همه واقعیت
ساجرات، آن اتفاق مهمی که
ضرب به این یا آن موضعگیری
میشود، حتماً و قطعاً
می‌باید یا يك اتفاق مورد
ایتقان باشد، یا بالعکس اگر
نیست، جویانی که به آن استناد
می‌کند، خود اطلاعات دستاوی
نسبت به آن در صفحه ۱۰

صدای فدائی

صوچ کوتاه در دهلهای

۶۵ و ۷۵ متر

ساعات ۸/۵ بعد از ظهر ۱۲/۵

رله بعد